

بررسی تطبیقی اندیشه شیعه و سنی در مورد مهدی در قرآن و حدیث

پیشگام

چکیده

آنچه در این مقاله آمده، صفحاتی چند از ترجمه کتاب «مع المهدی المنتظر فی دراسة منهجیة مقارنة بین الفکر الاسلامی الشیعی و السنّی» می باشد که مترجم و نگارنده نام «بررسی تطبیقی اندیشه شیعه و سنی در مورد مهدی در قرآن و حدیث» را برای آن برگزیده است.

کتاب به وسیله مهدی فتلاوی که متولد عراق و یمنی الأصل و طایبی النسب است، نگاشته شده است. وی در نگارش این کتاب به بیش از ۱۲۳ منبع و مرجع رجوع کرده است. منابع وی مجموعه‌ای از کتب تفسیری، کتب حدیث، کتب تاریخی و تراجم، کتب مربوط به مهدویت و دیگر کتب است که نویسندگان و مؤلفان کتب مذکور از دو مذهب اسلامی شیعه و سنی هستند.

در این مقاله اعتقاد به حضرت مهدی (عج)، به عنوان اعتقادی اصیل مطرح شده است و شواهد مختلف و بسیاری از منابع اهل سنت و شیعه ذکر گردیده است. مؤلف تنها راه از بین بردن اختلافات را، اخلاص و توجه علمی و به دور از تعصب به سنت نبوی (ص) دانسته است.

کلید واژه‌ها: قرآن، تفسیر، سنت، مهدی.

مؤلف در کتاب خود، تلاش نموده است ضمن اثبات اصیل بودن اعتقاد به حضرت مهدی (عج) در قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) و سیره اهل بیت (ع)، موارد اتفاق و اختلاف اعتقادی و تاریخی شیعه و سنی در مورد حضرت را ذکر نموده و آنها را مورد بررسی قرار

به نظر نویسنده کتاب، تنها راه ریشه‌کنی عوامل اختلاف‌برانگیز تاریخی، سیاسی، اعتقادی و... که دائماً محور درگیری‌های امت اسلامی بوده، پیروی از اندیشه‌های اصیل اسلامی و آن‌هم بانیتی خالصانه و پناه بردن به قرآن کریم و سنت اصیل نبوی و البته با تکیه بر روشی علمی است، مشروط بر آنکه همگی با هم به کتاب خدای متعال بازگردند، کتابی که پروردگار سبحان آن را چنین وصف نموده است:

ان هذا القرآن یهدی للتی هی أقوم و یشیر المؤمنین. (اسراء/ ۹)

نویسنده کتاب در قسمتی از مقدمه آن می‌گوید:

نگارنده در تلاش برای رفع اختلافات مذهبی راجع به حضرت مهدی(ع)، کوشیده است در مسائل ثابت و مستحکم فکری و تاریخی مشترک بین شیعه و سنی به قدر ممکن - از پرتو و نور قرآن کریم و نبوت استمداد و استعانت جوید.

زمینه‌های مشترک میان اهل تسنن و شیعه دوازده امامی درباره مهدی(عج) بسیار زیاد است. همه آنان بر درستی این اعتقاد اتفاق نظر دارند و منکرانش را نادان تلقی می‌کنند. همچنین، متفق القولند که حضرت مهدی(ع) از قبیله قریش و از اهل بیت پیامبر اسلام(ص) و به ویژه از نوادگان حضرت علی(ع) و فاطمه(س) است. ضمناً برپایی حکومتش را قطعی و او را آخرین جانشین حضرت محمد(ص) در بین دوازده امام دانسته و محدوده سلطه‌اش را همه جهان می‌دانند. زیرا حکومت او وعده الهی است که نص قرآن بر آن تأکید کرده است. سرانجام آنکه، شیعه و سنی بر حتمی بودن وقوع برخی حوادث و اتفاقات و علائم ظهور ایشان اشاره می‌کنند. این علائم مژده نزدیکی ظهور ایشان را می‌دهند. در اینجا دلایل قابل اعتماد درباره اثبات موارد اتفاق نظر شیعه و سنی، در اعتقاد به ظهور حضرت مهدی(ع)، ارائه می‌شود:

نخست. اتفاق نظر مسلمانان در اصل قضیه

دلیل محکم در این اتفاق نظر، ثبت و ضبط درست احادیث بسیاری است که درباره

حضرت مهدی (عج) نقل گشته است. این احادیث را مسلمانان حفظ نموده و در بسیاری از مراجع و منابع خود ذکر کرده‌اند؛ به گونه‌ای که تواتر آنها بارها در علم حدیث به تأیید مسلمانان رسیده است و همان‌گونه که می‌دانید، هر مسئله دینی که روایات و احادیث آن به حد تواتر برسد، از دایره شک و تردید خارج گشته و درباره اسناد آن گفتگو نمی‌شود. همچنان که این مسئله در جای خود در علم حدیث و اصول به اثبات رسیده و غیرقابل انکار است و مناقشه و در آن ناشی از عدم آگاهی به قواعد و اصول بحث علمی و تحقیق اسلامی است.

مرجع بزرگ، شهید صدر (ره) می‌گوید:

اندیشه اعتقاد به حضرت مهدی منتظر (عج)، به عنوان رهبری که جهان چشم انتظار اوست تا دنیا را به جایگاهی بهتر رهنمون شود، در کل، در احادیث پیامبر عظیم الشان (ص) و به ویژه در روایات ائمه اطهار (ع) آمده است. همچنین، در متون و کتب فراوان چنان بر آن تأکید شده که جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی‌گذارد. چهارصد حدیث از طریق برادران اهل سنت در این باره نقل گشته و مجموع روایتهای منقول درباره حضرت مهدی (عج)، از طریق شیعه و سنی، به بیش از شش هزار حدیث بالغ می‌شود. حتی نظیر این رقم بالا درباره بسیاری از امور واضح و بدیهی دین اسلام، که معمولاً قطعی و خالی از شک و تردید است، جمع‌آوری نشده است.^۱

حافظ ابن حجر عسقلانی می‌گوید:

بنابر احادیث متواتر، حضرت مهدی (عج) از میان مسلمانان برانگیخته می‌شود. حضرت

عیسی بن مریم (ع) نیز در آن زمان فرود می‌آید و پشت سر وی نماز خواهد خواند.^۲

قاضی شوکانی در مورد احادیث مهدی می‌گوید:

احادیث مربوط به مهدی، بدون هیچ شک و شبهه‌ای، متواتر است.^۳

ابن حجر هیثمی می‌گوید: «اخبار و احادیث منقول درباره ظهور حضرت مهدی (عج)

بسیار زیاد و در حد تواتر است.»^۴

حافظ ابوالحسن ابری سگری (م ۳۶۳هـ) در «مناقب الشافعی» و ابن صباغ مالکی در «اسعاف الراغبین» و برزنگی در «الاشاعة لأشراط الساعة» و شیخ عبدالحق در «اللمعات» و ابن صدیق مغربی در «ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون» و صدیق حسن قنوجی در «الاذاعة لما کان و یکون بین الساعة» و بسیاری دیگر از علما بر تواتر احادیث مربوط به حضرت مهدی (عج) تصریح کرده‌اند.

ابن خلدون از جمله کسانی است که بر تواتر احادیث حضرت حجت (عج) و شهرت این احادیث در میان گروهها و مذاهب گوناگون اسلامی اذعان نموده است. او در مقدمه کتابش با آنکه کوشیده است در احادیث مربوط به ایشان تشکیک نماید و اسناد روایات مربوط به ایشان را مخدوش جلوه داده و آنها را زیر سؤال ببرد، می‌نویسد:

«بدان آنچه که در طول سده‌ها در میان همه مسلمانان رایج و متداول بوده، این است که در آخر الزمان مردی از سلالة اهل بیت (ع) ظهور می‌کند که دین را پشتیبانی کرده و عدالت را برپا می‌نماید و نام وی مهدی است.»^۵

دوم، اتفاق نظر در لزوم اعتقاد به ایشان

مسئله مهدی از جمله مسائل غیبی الهی است که وحی نیز از آن خبر داده و متون و نصوص دینی مورد اعتماد همه مسلمانان لزوم ایمان و اعتقاد به آنها را مورد تأکید قرار داده‌اند؛ همچنان که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «الم. این قرآن کتابی است که هیچ تردیدی در آن راه ندارد هدایتگر انسانهای باتقواست، همانهایی که به عالم و دنیای غیب ایمان دارند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی می‌رسانیم انفاق می‌کنند و کسانی که به آنچه به تو و پیامبران پیش از تو نازل شده ایمان می‌آورند و به آخرت یقین دارند.»^۶

این آیه، به طور کلی، بر لزوم ایمان به مسائل غیبی، که از طریق شرع و با ادله روشن به اثبات رسیده‌اند، دلالت می‌کند، همان‌گونه که برپا داشتن نماز و دادن زکات و ایمان به قرآن و کتابهای آسمانی، که پیش از قرآن نازل شده، بر هر مسلمانی لازم و ضروری است، اعتقاد به همه مسائل غیبی، که اسلام درباره آنها سخن گفته و در نصوص معتبر و مشهور

از آنها خبر داده شده، واجب است. بنابراین، هر کس موردی از امور غیبی اسلام را، از قبیل ظهور حضرت مهدی (عج)، نزول حضرت عیسی ابن مریم (ع)، خروج دجال و سایر مسائلی را که با دلایل قطعی ثابت شده‌اند، انکار نماید، از جرگه مسلمانانی که به عالم غیب ایمان دارند، خارج می‌شود، زیرا ایمان به غیب حد فاصل میان مؤمنین به رسالتهای الهی و ملحدان و مادی‌گرایان است.

بر اساس همین ادله قرآنی، برخی از دانشمندان معاصر اهل تسنن در اثبات وجوب اعتقاد به حضرت مهدی (عج)، به این برهان قرآنی استدلال کرده‌اند. شیخ ناصرالدین البانی از علمای اهل سنت در این باره می‌گوید:

«اعتقاد به قیام حضرت مهدی (عج) اعتقادی ثابت است و از حضرت نبی اکرم (ص) در وجوب ایمان به ظهور ایشان احادیث متواتر نقل شده است. این اعتقاد از امور غیبی است و ایمان به چنین امری از جمله نشانه‌های پرهیزکاران است؛ همان‌گونه که خداوند متعال در قرآن فرموده است: «الم. قرآن کتابی است که هیچ شکمی به آن راه ندارد هدایتگر انسانهای پرهیزکار و تقوا پیشه‌ای است که به عالم غیب ایمان دارند.» و این تنها انسانهای نادان و متکبر هستند که در صدد انکار امور غیبی برمی‌آیند. من از درگاه پروردگار متعال مسئلت می‌کنم که ما را در حالی بمیراند که به قیام مهدی (عج) و هر آنچه که قرآن و سنت بر آن صحه نهاده‌اند، ایمان داشته باشیم.»^۷

استاد عبدالمحسن عباد در بخشی از سخنرانی خود، در واکنش به مخالفان اعتقاد به حضرت مهدی (عج)، گفته است: «باور به مهدویت برابر با ایمان به رسالت محمد (ص) است؛ زیرا نشانه ایمان به پیامبر (ص) باور و پذیرش بی‌چون و چرای اخباری است که از جانب ایشان صادر شده است. خداوند مؤمنان به غیب را چنین ستوده است: «الم، ذلک

الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین، الذین یؤمنون بالغیب»^۸.

از جمله دلایلی که استاد عباد در لزوم اعتقاد به حضرت مهدی (عج) برشمرده، وجود ایمان به قدر است. او می‌گوید: «راه یافتن دانش‌بندهاگان به آنچه خداوند مقدر فرموده، دو

گونه است: نخست، واقع شدن آن است...؛ دوم، راه آگاه ساختن مردم نسبت به چیزی که در گذشته اتفاق افتاده است یا به چیزی که پیش از وقوع، از آن خبر می‌دهند، آن هم از زبان کسی که از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید. بنابراین، همه احادیث و اخباری که ثابت شده از جانب حضرت رسول اکرم (ص) رسیده، به یقین، خواسته و مشیت پروردگار متعال است و آن خبر، مطابق گفته رسول خدا (ص)، به وقوع خواهد پیوست، مانند خبر نزول عیسی (ع) در آخر زمان، قیام مهدی (عج)، شورش دجال و دیگر اخبار آن. بنابراین، انکار احادیث مربوط به حضرت مهدی (عج)، که صدورشان از طرف رسول خدا (ص) قطعی است و تردید و شک نسبت به آنها خطایی بس بزرگ است. ما از درگاه پروردگار متعال پایداری بر حق و سلامتی و عافیت در دین را در لحظه مرگ، مسئلت می‌کنیم.^۹

در نتیجه، اعتقاد به قیام حضرت مهدی (عج)، با توجه به وجوب ایمان به قضا و قدر الهی، نکته‌ای است که در احادیث معتبر منقول از رسول خدا (ص)، همچون حدیث ذیل که جابر بن عبدالله انصاری از ایشان نقل کرده، تصریح شده است: «هر کس قیام مهدی (عج) را منکر شود، به وحی نازل بر محمد (ص) کفر ورزیده است. زیرا جبرئیل به من خبر داد: خداوند عزوجل می‌فرماید: هر کس که به قدر، چه خیر و چه شر آن، ایمان نداشته باشد، برود و برای خود خدایی جز من برگزیند.»^{۱۰}

لزوم ایمان به مسائل غیبی در اسلام امری ثابت شده است. این نکته از جمله دلایلی است که پیروان مکتب اهل بیت، در اثبات ضرورت ایمان به ظهور حضرت مهدی (عج)، از آن مدد جسته‌اند. به طور مثال، از امام صادق (ع) نقل شده که در تفسیر آیه «ذَلِكِ الْكِتَابِ لَارِيبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» فرمودند: «پرهیزگاران پیروان حضرت علی (ع) هستند. کلمه غیب در این آیه، حجت غائب یعنی مهدی منتظر (عج) است.»^{۱۱} و دلیل آن این گفته خداوند تبارک و تعالی است: «وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ.»^{۱۲}

سوم. اتفاق نظر مسلمانان بر اینکه ایشان از ساله اهل بیت (ع) است.

روایات و اخبار صحیح شیعی و سنی دلیلی بر همدلی مسلمانان در این باره است. سعید بن مسیب روایت کرده است: «نزد ام‌السلمه بودیم. سخن از مهدی (عج) به میان آمد. ایشان گفتند: از رسول خدا (ص) شنیدم: مهدی (ع) از عترت من و از فرزندان فاطمه (س) است.» از امام محمد باقر (ع) نقل شده است: «مهدی از ما اهل بیت و از فرزندان فاطمه است.»^{۱۳} ابن سعید خدری به نقل از پیامبر (ص) روایت کرده است: «مهدی از ما اهل بیت است. او زمین را پس از آنکه از ظلم و جور پر شده بود، مملو از عدل و داد می‌کند.»

روایاتی که از نسبت ایشان به اهل بیت خبر می‌دهند، فراوان، بلکه متواترند. البته در مباحث آینده بخشی از آنها خواهد آمد.

چهارم. اتفاق نظر مسلمانان در قطعیت بر پایی حکومت مهدی (عج)

روایات و احادیث صحیح و صریح فراوانی در کتابهای اخبار ملاحم و فتن و شرایط روز قیامت، در منابع اهل تسنن و شیعه اثنا عشری نقل شده، که در آنها از برقراری حکومت حضرت مهدی (عج) سخن رفته است. ابن مسعود از نبی اکرم (ص) روایت کرده است: «عمر دنیا به پایان نخواهد رسید تا روزی که مردی از اهل بیتم، به نام مهدی، ولایت و رهبری امت را بر عهده می‌گیرد.»^{۱۴} و از امام صادق (ع) نقل شده است: «قیام قائم (عج) قطعی و حتمی است.»^{۱۵} ابن مسعود به نقل از پیامبر (ص) گفته است: «اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، پروردگار آن روز را چنان طولانی می‌کند تا مردی از اهل بیت من، که هم‌نام من است، قیام کند.»^{۱۶} ابوهزیره نیز روایت کرده است: «رسول خدا (ص) فرمود: اگر از عمر دنیا، تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند بلند مرتبه آن را چنان طولانی می‌کند تا مردی از اهل بیت من فرمانروایی و ولایت زمین را به دست گیرد.»^{۱۷} همچنین، در آیات الهی که تفسیر آنها وعده ظهور مهدی است (موضوع بعدی)، به صراحت، به برپایی حکومت ایشان تأکید شده است.

پنجم . اجماع مسلمانان در جهانی بودن حکومت مهدی (عج)

در بسیاری از آیات از قرآن کریم و روایات شیعه و سنی منقول از پیامبر اکرم (ص)، بر جهانی بودن حکومت مهدی (عج) و پیروزی اسلام بر دشمنان دین و چیرگی آن بر همه ادیان و آیینهای کفر و شرک و رژیمهای منحرف و فاسد، تأکید شده است.

به نظر نگارنده، حکومت جهانی ایشان از مهمترین موضوعاتی است که آیات قرآنی و روایات فراوان و معتبر نیز آن را تأیید می‌کنند. همه اینها بر اصالت قضیه مهدی، در چارچوب امور و مسائل غیبی، و شکل‌گیری حکومتشان در آینده تاریخ امت اسلامی پای می‌فشارند.

در اینجا به آن دسته از آیات قرآن کریم که وقوع این حادثه بزرگ سیاسی را مژده می‌دهند، اشاره می‌شود:

حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) در قرآن کریم

آیات قرآنی که برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) را مژده می‌دهند، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دسته نخست، شامل آیاتی است که به تفسیر و شرح مفصل علمی نیاز دارند.

دسته دوم، آیاتی هستند که آشکار و واضحند، و به عبارت دیگر، به صراحت آن را بیان می‌کنند.

در اینجا به آن بخش از آیات دسته دوم که به مسئله حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) مربوط است و مفسران شیعه و سنی درباره آنها هم عقیده هستند، اشاره می‌شود.

خداوند متعال می‌فرماید: «یریدون أن یطفثوا نور الله بأفواههم و یأبی الله أن ینورهُ و لو کره الکافرون، هُو الَّذی أرسَل رسولَه بالهدی و دین الحق لیظهرهُ علی الدین کُلَّهُ و لو کره المشرکون»^{۱۸} حاکم با سند صحیح و به روایت مسلم، از عایشه روایت کرده که رسول خدا (ص) فرمود: «عمر دنیا به پایان نرسد، مگر آنکه دوباره لات و عزی پرستیده شوند.

عایشه گفت: من پرسیدم ای رسول خدا بعد از اینکه خداوند تبارک و تعالی آیه «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» را نازل فرمود، دیگر بازگشت به شرک و بت‌پرستی ناممکن است؛ زیرا دین کامل شده است، رسول خدا(ص) فرمود: آری، تا آن زمان که خداوند اراده نماید، چنین خواهد بود؛ پس از آن پروردگار متعال رایحه‌ای دل‌انگیز می‌فرستد و تمام کسانی که به اندازه دانه خردلی خیر و نیکی داشته باشند، وفات می‌کنند و تمام کسانی که در دلشان اثری از ایمان وجود نداشته باشد باقی می‌مانند و به مرام آباء و اجدادی خویش، یعنی شرک و بت‌پرستی، باز می‌گردند.^{۱۹}

تمیم دارمی درباره زمان غلبه اسلام بر ادیان دیگر، روایت می‌کند: «شنیدم که پیامبر خدا(ص) فرمود: اگر فاصله تا آن زمان به درازای عمر تمام شبها و روزهای (جهان) باشد، سرانجام شدنی است. هیچ منزلگهی، در صحراها و بادیه‌ها و شهرها، باقی نمی‌ماند؛ مگر آنکه به لطف خداوند دین اسلام در آن راه یابد. به عزیزان عزت می‌دهد و ذلیلان را خوار می‌گرداند، مسلمانان را عزت می‌دهد و مشرکان را به دلیل نپذیرفتن اسلام و کفرشان، ذلیل گرداند.»^{۲۰}

مقداد بن اسود روایت می‌کند: از رسول خدا(ص) شنیدم که فرمودند: هیچ نقطه‌ای از کره زمین باقی نماند، مگر آنکه خداوند اسلام را با عزت تمام به آنجا وارد کند و جماعتی را ذلیل نماید. اما آنانی که عزیزشان می‌کند به این خاطر است که ایشان به جرگه مسلمانان وارد شده و دین اسلام را بپذیرند.^{۲۱}

از ابو ثعلبه حسنی نقل شده است: «هرگاه رسول خدا(ص) از نبرد یا سفری باز می‌گشت، به مسجد می‌آمد و دو رکعت نماز می‌خواند؛ سپس نزد فاطمه(س) و بعد از آن نزد همسرانش می‌رفت. یک بار که از جنگ یا سفر بازگشته بود، پس از نماز از مسجد بیرون آمد؛ فاطمه(س) در مقابل منزل، رسول خدا(ص) را دید، او را بوسید و گریست. پیامبر(ص) گفت: دخترم! چه چیزی تو را به گریه افکنده است؟ فاطمه(س) به ایشان

گفت: رسول خدا! می بینم آثار جنگ و سفر چهره‌تان را غبار آلود و لباس‌تان را ژولیده کرده است.

پیامبر (ص) به فاطمه (س) فرمود: گریه مکن! پروردگار عزیز و جلیل برای امر و مسئولیت خطیری پدرت را به رسالت برگزیده است؛ به طوری که نقطه‌ای در زمین باقی نمی ماند، مگر آنکه خداوند آیین مرا با عزت یا ذلت به آنجا وارد نماید، هر چند این امر به بلندای عمر دنیا به درازا بکشد.»^{۲۲}

وقتی از ابوهریره درباره معنا و تفسیر آیه مذکور «هو الّذی ارسل رسولہ بالهدی و دین الحق لیظہرہ...» سؤال شد. او گفت: این وعده الهی است که خداوند متعال دین اسلام را بالاتر و برتر از همه ادیان قرار می دهد.^{۲۳}

هنگامی که از سدی راجع به تفسیر همین آیه سؤال شد، پاسخ داد: این وعده الهی زمانی رخ می دهد که مهدی قیام کند.^{۲۴}

آنچه آمد، احادیث و روایاتی بود که برادران اهل سنت در تفسیر آیه مبارکه گفته بودند، احادیثی که دقیقاً با تفسیرهای شیعه و اهل بیت مطابقت می کند. اینک مجموعه‌ای از احادیث شیعه در این باره نقل می شود:

از امام علی (ع) نقل گردیده، که «پس از تلاوت آیه مذکور، پرسید: آیا آیین اسلام، پس از آنکه پروردگار رسولش را با هدایت و دین حق مبعوث گردانید، بر همه ادیان غالب شده است؟ گفتند: بلی! علی (ع) به آنان گفت: چنین نیست، قسم به خدایی که جان من در دست اوست، هیچ شهر و دیاری بر روی کره خاکی نماند، مگر آنکه در آنجا بانگ لاله‌آلا الله و محمد رسول الله شب و روز و صبح و شام شنیده شود.»^{۲۵}

از امام محمد باقر (ع) درباره تفسیر این آیه سؤال کردند، فرمودند: «این وعده الهی، به هنگام قیام مهدی آل محمد (ص) محقق و عملی خواهد شد و کسی از اهالی زمین باقی نخواهد ماند مگر آنکه به آیین محمد (ص) ایمان آورد.»^{۲۶}

مفضل بن عمر درباره آنکه گروهی از مسلمانان در تأویل این آیه مدعی هستند اسلام بر

تمامی ادیان چیره شده است، از امام جعفر صادق (ع) پرسید، امام گفتند: «ای مفضل! اگر اسلام بر همه ادیان چیره می‌شد، اثری از زردشتی، مسیحی، یهودی و ستاره‌پرستی وجود نداشت و تفرقه و تردید و دوگانه پرستی در کار نبود. سپس امام (ع) این آیه را به حکومت امام مهدی منتظر (عج) تفسیر نموده^{۳۷} و گفتند: در دوران او مهدی-دین یکی خواهد شد، همان گونه که پروردگار متعال فرمود: **ان الدین عند الله الاسلام**.^{۳۸} و در آیه دیگر: **ومن ینبغ غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین**.^{۳۹}

آیه دیگری حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) را بشارت می‌دهد: «و نرید ان نمّ علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمةً و نجعلهم الوارثین». ^{۴۰} حاکم حسکانی در شواهد تنزیل و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه به نقل از امام علی (ع) آورده‌اند: «البتة دنیا، مانند شتری که دوشنده خود را گزیده و دوباره به محض دیدن کره خویش به سویس اقبال می‌کند، به سوی اهل بیت باز می‌گردد.» سپس این آیه شریفه را تلاوت نمودند.^{۴۱} از امام باقر و صادق (ع) در تفسیر این آیه نقل شده است: «فضل و لطف پروردگار از آن صاحب امر است، که در آخر زمان ظهور می‌کند و جباران و فرعونیان را از بین برده و شرق و غرب زمین را تصرف می‌کند و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که پیشتر از ظلم و جور پر بوده است.»^{۴۲}

از امام محمد باقر (ع) درباره تفسیر آیه «**و قاتلوا المشرکین كافةً کما یقاتلونکم كافةً**»^{۴۳} پرسیدند، ایشان فرمودند: «نه، هنوز تأویل آیه نیامده است؛ آن زمان که قائم ما ظهور کند، معاصران ایشان تأویل این آیه را درمی‌یابند. در آن هنگام، بنابر وعده قرآن، آیین محمد (ص) به اوج خود خواهد رسید و حتی یک نفر مشرک بر روی زمین باقی نخواهد ماند.»^{۴۴}

تفسیر آیه: «**فقاتلوا أئمة الكفر انهم لا ایمان لهم**»^{۴۵} همانند آیه پیشین است و حدیفة بن یمان در تفسیر آن گفته است: «با مشرکانی، که این آیه درباره آنان است، تاکنون جنگ و مبارزه نشده است.»^{۴۶} و منظور او امام منتظر مهدی (عج) است، که با آنان در آخر زمان خواهد جنگید.

حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) در احادیث نبوی

پس از ذکر روایات و احادیثی در تفسیر چند آیه، دال بر حتمی بودن برپایی حکومت جهانی اسلام، در اینجا به احادیث و روایات دیگری در این باره اشاره می‌شود:

از ابن عباس به نقل از رسول خدا (ص)، روایت شده است: «حاکمان روی زمین چهار نفرند، دو حاکم مؤمن و دو حاکم دیگر کافرند. آن دو حاکم مؤمن ذوالقرنین و سلیمان (ع) هستند و دو حاکم کافر نمروند و بخت نصرند. اما حاکم پنجمی بر سراسر زمین فرمانروایی خواهد کرد، که از اهل بیت من است.»^{۳۷}

حذیفه بن یمان روایتی طولانی، به نقل از پیامبر (ص)، درباره مهدی منتظر آورده است: «مردم در میان رکن و مقام کعبه با ایشان بیعت کنند؛ خداوند به وسیله ایشان، دین رازنده کند و سرزمینهای مختلف را فتح نماید. در نتیجه در روی زمین کسی نماند جز آنکه گوید: «لا اله الا الله»^{۳۸}

ابوسهید خدری از رسول خدا (ص) روایت کرده است: «پیش از برپایی قیامت، همه زمین را ظلم فرامی‌گیرد، در این هنگام فردی از اهل بیت من برمی‌خیزد و زمین را همان طوری که مملو از ظلم و جور شد از عدل و داد پر می‌کند.»^{۳۹}

بنابر احادیث و روایات مذکور در صحاح شش گانه، حضرت عیسی ابن مریم (ع) به هنگام ظهور پشت سر امام زمان (عج) نماز می‌گزارد و در کشتن دجال و راهنمایی و هدایت مسیحیان به اسلام، ایشان رایاری می‌رساند. همچنین، در تأیید روایت فوق، ابوهریره، به نقل از پیامبر (ص)، آورده است: «روح خدا - عیسی ابن مریم (ع) - در بین شما نزول خواهد کرد. او صلیب را می‌شکند، خوکان را می‌کشد از مخالفین جزیه می‌گیرد و مردم را به اسلام فرا می‌خواند؛ و خدای متعال در زمان حضور ایشان، همه آیینها را، جز اسلام، از بین می‌برد. مسیح (ع) دجال را به هلاکت می‌رساند و امنیت و آرامش سراسر گیتی را فرا می‌گیرد.»

او در روایت دیگری به نقل از ایشان آورده است: «تنها تبلیغاتی که [در آن هنگام] در سراسر جهان وجود خواهد داشت، همانا فراخواندن همه مردمان به خداوند یگانه است.»^{۴۰}

در روایتی، به نقل از امام جعفر صادق (ع)، آمده است: «به هنگام ظهور قائم، در سراسر زمین بانگی جز شهادت لا اله الا الله و محمد رسول الله به گوش نخواهد رسید.»^{۴۱}

درباره تفسیر آیه «أفغير دين الله يبغون وله أسلم من في السماوات والأرض طوعاً وكرهاً و اليه يرجعون»^{۴۲} از امام موسی کاظم (ع) سؤال شد؛ ایشان فرمودند: «این آیه درباره امام زمان است. در آن هنگام حضرت مهدی همه یهودیان، مسیحیان، ستاره‌پرستان، زندیقان، مرتدان و کافران شرق و غرب زمین را فرامی‌خواند و اسلام را بر آنان عرضه می‌کند. اگر آنان به میل و رغبت ایمان آورده و مسلمان شوند، ایشان همه آنان را به برپایی نماز و پرداخت زکات و انجام واجبات دینی دستور می‌دهد؛ اما هر کس اسلام را نپذیرد، گردنش زده می‌شود؛ به طوری که در شرق و غرب زمین جز موحدان یگانه‌پرست کسی باقی نمی‌ماند.»^{۴۳}

البته آن دسته از اخباری که بر قطعیت برپایی حکومت جهانی اسلام در زمان رهبری و خلافت مهدی منتظر (عج) دلالت دارند، بسیار فراوانند. یکی از این خبرها حدیث متواتری است که شیعه و سنی آن را به نقل از حضرت محمد (ص) آورده‌اند. ایشان در وصف حکومت و عدالت حضرت مهدی (عج) فرموده‌اند: يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً.

به طور کلی، این حدیث بیانگر آن است که حکومت مهدی (عج) سراسر زمین را فرا می‌گیرد.

همچنین، این حدیث نبوی تفسیر همان وعده الهی در قرآن است: «وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين من قبلهم و ليمكّن لهم دينهم الذي ارتضى لهم.»^{۴۴}

ششم. توافق مسلمانان درباره برخی از نشانه‌های ظهور مهدی (عج)

اخبار و روایات بسیار زیاد مذکور در کتب ملاحم و فتن شیعه و سنی حاکی از وقوع پدیده‌هایی پیش از ظهور مهدی (عج) و قریب الوقوع بودن ظهور ایشان و برپایی انقلاب اسلامی و انجام وعده الهی است. در این پدیده‌ها دو نشانه روشن دیده می‌شود. نخستین نشانه و طلایه انقلاب مهدی (عج)، برپایی حکومت اسلامی در ایران است، که

در حدیثی از رسول خدا (ص) بدان اشاره شده است: «مردمی در مشرق زمین قیام می‌کنند که زمینه‌ساز حکومت مهدی (عج) هستند.»^{۴۵} ثویان نیز از رسول خدا (ص) روایت کرده است: «هرگاه دیدید پرچمهای سیاه از سمت خراسان پیش می‌آید، ولو با لغزیدن روی برف باشد، به آنان بپیوندید.»^{۴۶}

روایات و اخبار منقول از اهل بیت (ع) درباره زمینه‌سازان حکومت حضرت مهدی (عج) فراوان است. در این میان حدیث موثق جابر بن عبدالله انصاری، به نقل از امام محمد باقر (ع) قابل ذکر است: «شام نخستین سرزمینی است که ویران می‌گردد. مردمان آنجا در این اوضاع با هم اختلاف کرده، در سه گروه و زیر سه پرچم گرد می‌آیند؛ گروهی زیر پرچم سیاه، گروهی زیر لوای سرخ و سفید و گروهی زیر پرچم سفیان نامی. شامیان در این اوضاع به سر می‌برند که پرچمهایی از جانب خراسان پیش می‌آید و به سرعت همه آنان را در هم می‌کوبد. در میان مردم خراسان برخی از یاران امام زمان (عج) وجود دارد.»^{۴۷}

دومین نشانه، تشکیل دولتی در شامات است، که با حکومت امام زمان (عج) مخالفت می‌کند. رهبری این حکومت را فردی از خاندان بنی امیه برعهده دارد. او در روایات اسلامی به سفیانی مشهور است. شیعه و سنی درباره او روایات فراوانی نقل آورده‌اند و بیشتر حدیث جابر بن عبدالله درباره او نقل شد. در کتب صحاح سته نیز مدفون گشتن و فرو رفتن سفیانی همراه با لشکرش به عمق زمین نقل شده است. او پس از آنکه خبر سلطه امام زمان را بر حجاز می‌شنود، همراه با سپاهش به سوی مکه روانه می‌شود تا حکومت امام (عج) را نابود سازد. بخاری و مسلم، به نقل از ام‌المؤمنین عایشه، از رسول خدا روایت کرده‌اند:

«به سرزمین مکه جماعتی پناه آورند که برای دفاع از خود نه پناهگاه، نه سنگر و نه ابزار و نه عده‌ای دادند. ملحدان برای سرکوبی آنان سپاهی روانه می‌کنند. به هنگام رسیدن آن لشکر، صحرا آنان را بلعیده و در خود فرو می‌برد.»^{۴۸} همچنین، عایشه از پیامبر نقل کرده: «سپاهی قصد حمله به کعبه می‌کند؛ آنان همین که به صحرائی می‌رسند، همگی به کام زمین

فرو می‌روند.»^{۴۹}

پانوشتها

- ۱۸- توبه/۳۳-۳۲، آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هرچند که کافران ناخشنود باشند. او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر هر آیینها غالب گرداند، هر چند که مشرکان کراهت داشته باشند.
- ۱۹- مستدرک صحیحین، ج ۴، ص ۴۴۷. به نظر او این حدیث، به شرط روایت مسلم، خبری صحیح است. ذهبی نیز در این مسئله با وی موافق است.
- ۲۰- مجمع زوائد، ج ۶، ص ۱۴. وی می‌گوید: احمد وطبرانی این حدیث را نقل کرده‌اند و کسانی که احمد به نقل آنان حدیث می‌گوید، ثقه و مورد اعتمادند. مستدرک صحیحین، ج ۴، ص ۴۳۰. وی نیز این حدیث را صحیح می‌داند، مقایسه شود با روایت ذهبی در تلخیص.
- ۲۱- همان، ج ۶، ص ۱۴، به نظر صاحب مستدرک الصحیحین، این حدیث به شرط نقل شیخین، صحیح است. اما شیخین آن را نقل نکرده و ذهبی در تلخیص نظر او را تأیید کرده است.
- ۲۲- مستدرک صحیحین، ج ۳، ص ۱۵۵. وی می‌گوید این حدیثی است ذهبی ادعا نموده که این حدیث ضعیف است، اما راه به جایی نبرده زیرا که احادیثی که پیشتر ذکر گردید، گواه درستی و صحت این حدیث است.
- ۲۳- تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۱۶، ص ۴۰.
- ۲۴- تفسیر ابی الفتوح، ۱۶:۶.
- ۲۵- تأویل الآیات، ۲: ۶۸۹؛ منابع الموده نوشته حنفی قندوزی، ص ۴۲۳.
- ۲۶- تفسیر عیاشی، ۲: ۸۷، ح ۵۰.
- ۲۷- الهدایة الکبری، ۸۲-۷۴ و البحار ۲۵۳:۲.
- ۲۸- آل عمران/۱۹۷.
- ۲۹- آل عمران/۸۵، هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان خدا) آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران است.
- ۳۰- قصص/۵، ما می‌خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهمیم و آنان را پیشوایان و وزران روی زمین قرار دهیم.
- ۳۱- شواهد تنزیل، ج ۱، ص ۴۳۱؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ک ۱۹:۲۹.

- ۱- بحث حول المهدی: ۶۴-۶۳، دارالتعارف بیروت.
- ۲- فتح الباری: ۵: ۳۶۲.
- ۳- ابراز الوهم المکتون، ص ۴، به نقل از رساله توضیح المسائل شوکانی.
- ۴- صواعق محرقه، ۲: ۳۱۱.
- ۵- ابن خلدون، مقدمه، ص ۳۹۷.
- ۶- بقره/۱۰۴.
- ۷- مجله تمدن اسلامی، شماره ۲۲، ص ۶۴۳، دمشق سوریه.
- ۸- مجله جامع الاسلامیه حجاز، شماره ۳، سال اول، ۱۳۸۸ ذی الحجه، سخنان فوق گزیده‌ای است از آخر سخنرانی می‌باشد.
- ۹- همان.
- ۱۰- فراند سبتین، ۲: ۲۳۴، ب ۶۱. الحاوی للفتاوی ۲: ۸۳، الفتاوی الحدیثه ص ۲۷، الاذاعه ص ۱۳۷، و عقداالدرر ص ۱۵۷.
- ۱۱- کمال‌الدین، نوشته صدون، ۲: ۴۳.
- ۱۲- پیونس/۲۰، کافران می‌گویند: چرا معجزه‌ای از پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟ پاسخ بده که دانای غیب تنها خداوند است اما شما که منکر هستید منتظر (عذاب) باشید. من با شما منتظر (نصرت) او می‌باشیم.
- ۱۳- سنن ابن ماجه، ۲۰، ج ۴۰۸۶، تاریخ بخاری، ج ۳، ص ۳۴۶، درر المستدرک علی الصحیحین. والنجاح الجامع لاصول نیز این حدیث، به شرط نقل صحیحین (صحیح بخاری و مسلم)، تأیید می‌کند.
- ۱۴- کتاب الغیبه، نوشته شیخ طوسی، ص ۱۱۲، این حدیث در منابع شیعه و سنی مورد توافق قرار گرفته است.
- ۱۵- بحار، ج ۵۲، ص ۲۰۶، ح ۴۰، به نقل از کمال‌الدین.
- ۱۶- سنن ابی داود، ۲: ۱۰۶، ح ۴۲۸۲، مستدرک صحیحین نیز بر صحیح بودن حدیث تأکید کرده و ذهبی هم با او در این نظر موافق است.
- ۱۷- صحیح ترمذی، کتاب الفتن، در باب روایاتی که در مورد مهدی (عج)، نقل شده است. سنن ابن ماجه، ح ۹۸۲:۲، ح ۲۷۷۹.

پایان کار و پایان راه

۳۲- حلیة الابرار، ج ۲، ص ۵۹۷؛ تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۲۲۰.

۳۳- توبه/۳۶؛ و با مشرکان دسته جمعی بیکار کنید، همان گونه که آنها دسته جمعی با شما بیکار می کنند و بدانید خداوند با پرهیزگاران است.

۳۴- المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، ص ۹۶.

۳۵- توبه/۱۲؛ با پیشوایان کفر بیکار کنید چرا که آنها یمانی ندارند.

۳۶- الدر المشور، سیوطی، ۴: ۱۳۶.

۳۷- الحاوی للفتاوی، ۲: ۸۱؛ به نقل از تاریخ ابن جوزی؛ الفتاوی الحدیثه، ص ۳۹، عقد الدرر، یوسف شافعی، ص ۲۰-۱۹.

۳۸- دخائر عقبی، ص ۱۳۶؛ المنار المنیف، ص ۱۴۶، ج ۳۳۳.

۳۹- مسند احمد، ج ۳، ص ۳۶. مسند ابی یعلی موصلی، ج ۲، ص ۲۷۴، حدیث ۹۸۷، مستدرک صحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷. نویسنده درباره سند ابن روایت می گوید: این روایت، به شرط نقل شیخین صحیح است؛ اما شیخین این حدیث را نقل نکرده اند. ذهبی نیز نظر او را تأیید می کند.

۴۰- مستدرک صحیحین، ج ۲، ۵۹۵، وی این روایت را صحیح می داند و ذهبی نیز موافق اوست. سنن ابی داود، کتاب الملاحم - کنز العمال، ج ۱۴، ص ۳۸۸۵۵، ۳۸۸۴۳ و ۳۸۸۵۶.

۴۱- ینابیع الموده، قندوزی حنفی، ص ۴۲۱؛ تفسیر عیاشی، گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۴۲- آل عمران/۸۳، آیا آنها غیر از دین خدا می طلبند (آیین) او همین اسلام است). و شما به کسانی که در زمین و آسمان هستند از روی اختیار و یا از روی اجبار در برابر (فرمان) او تسلیمند و همه به سوی او بازگردانده می شوند.

۴۳- تفسیر عیاشی، ج ۱، ۸۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ۲۹۶.

۴۴- نور/۵۵؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند وعده می دهد که آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و این آیینی را که برای آنان پسندیده پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت.

۴۵- سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۴۰۸۸؛ مجمع الزوائد، ج ۷،

۳۱۸؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۳۸۶۷۵.

۴۶- مسند احمد، ج ۵، ص ۲۲۷. مستدرک الصحیحین،

ج ۴، ص ۵۰۲، او گوید این حدیث، به شرط نقل شیخین، صحیح است؛ ذهبی نیز با نظر او موافق است.

۴۷- بحار الانوار، ج ۲، ۲۳۷؛ به نقل از الغیبه، نوشته النعمانی.

۴۸- صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۱، ح ۷.

۴۹- صحیح بخاری، ج ۳، ص ۸۶، کتب البیوع، باب مسائلی که درباره بازار است.

- ترجمه آیات از قرآن کریم، ترجمه آیه الله العظمی مکارم شیرازی برگرفته شده است. چاپ اول، بهار ۱۳۸۱، سازمان تبلیغات اسلامی.